

مدارس آذربایجان شرقی^۱

● اقبال قاسمی بویا*

اشاره

یکی از رویه‌های مجله ارائه و معرفی تاریخ آموزش و پرورش ولایات و مناطق در دوران مختلف تحصیلی و تاریخی است. گرچه در این موضوع کارهای مختلفی انجام شده است اما رویه ما انسجام‌بخشی و جمع‌آوری و مستند کردن آن‌ها برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ آموزش و پرورش است.

در این شماره تاریخ آموزش و پرورش آذربایجان شرقی به قلم استاد ارجمند آقای اقبال قاسمی بویا ارائه می‌شود که برگرفته از کتاب «مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بانیان و پیشروان» است که پایان‌نامه دکتری ایشان می‌باشد که بعدها به صورت کتاب چاپ و منتشر شده است. این مقاله زیر نظر ایشان مجدد ویرایش و ارائه می‌شود.

■ مدارس تبریز

◆ **مدرسه دولتی تبریز (۱۲۵۴ش-۱۸۷۶م):** مدرسه دولتی تبریز در حقیقت باید دومین مدرسه دانست که به سبک دارالفنون بنیان یافت. این مدرسه به مدرسه مظفری شهرت داشت ولی در سالنامه‌هایی که هم‌زمان با تأسیس مدارس منتشر شده پیوسته به عنوان مدرسه دولتی تبریز از آن یاد شده است. درس سالنامه ۱۲۵۵ش-۱۸۷۷م که اعتمادالسلطنه آن را تنظیم می‌کرد، نخستین کارکنان مدرسه به این شرح آمده است:

اجزای مدرسه دولتی تبریز: میرزا جواد سرتیپ رئیس مدرسه؛ آقاخان ناظم و معلم زبان فرانسه؛ محمد جعفرخان معلم علم طب؛ محمد میرزا معلم علم هندسه؛ غفارخان معلم پیاده‌نظام؛ نجفقلی خان معلم علم توپخانه؛ میرزا فتحعلی خان؛ سر رشته‌دار؛

۱. بیشتر اطلاعات مربوط به مدارس آذربایجان در این تحقیق از کتاب تاریخ فرهنگ آذربایجان تألیف حسین امید است. از این رو فقط به غیر از منابع مذکور ارجاع داده شده است.

* هیئت علمی بازنشسته پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

میرزا عباسقلی ناظر معلم درس فارسی و یک نفر پیش‌نماز؛ چهار نفر دهباشی و فراش، دو نفر عمه کارخانه.

در سالنامه‌های ۱۲۵۶ش/۱۸۷۸م و ۱۲۵۸ش/۱۸۷۹م و ۱۲۵۹ش/۱۸۸۰م (جلد اول منتظر ناصری) از این مدرسه سخن به میان آمده و تغییراتی که از نظر رئیس و معلمان مدرسه صورت گرفته ذکر شده است.

اسامی روسای این مدرسه از سال ۱۲۵۵ش تا سال ۱۲۷۵ش/۱۸۹۴م. به این شرح بوده است:

(۱) میرزا جوادخان سرتیپ از ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۶ش.

(۲) میرزا عباس‌خان از ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۹ش.

(۳) ... از ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۰ش (نام رئیس مدرسه ذکر نشده است).

(۴) محمدحسن میرزا از ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۲ش.

(۵) احمدخان سرتیپ از ۱۲۶۲ تا ۱۲۷۲ش.

(۶) ندیم باشی از ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۴ش.

(۷) ناظم‌الملک از ۱۲۷۴ تا ۱۲۷۵ش.

براساس مندرجات سالنامه جلد اول مطلع‌الشمس در سال ۱۲۶۲ش. کارکنان مدرسه به این شرح بوده است:

رؤسا: احمدخان سرتیپ رئیس مدرسه؛ میرزا اسحق آجودان مدرسه و معلم زبان فرانسه؛ یک نفر مباشر.

معلمان: امیرزاده محمدمیرزا معلم علوم ریاضی؛ نجف قلی‌خان معلم توبخانه؛ مهدی قلی میرزا معلم پیاده‌نظام؛ محمد جعفرخان معلم طب و دواسازی؛ ملااحمد ادیب معلم عربی و فارسی؛ میرزا علی‌خان معلم زبان فرانسه. عده شاگردان دیوانی مدرسه ۲۵ نفر عده شاگردان مجانی ۲۰ نفر.

این مدرسه بنا به نوشته سالنامه‌های آن روزگار در آغاز ۴۰ نفر بوده و بعد به ۴۵ و در اواخر به ۵۰ نفر رسیده است، نیمی از این شاگردان به صورت مجانی و شبانه‌روزی تحصیل می‌کرده‌اند.

در این مدرسه هم فنون نظامی تعلیم داده می‌شد و هم دروس پزشکی. شاگردانی که وارد این مدرسه می‌شدند باید دارای معلومات مقدماتی و ابتدایی می‌بودند و مدرسه‌های مخصوص دیگر را طی می‌کردند.

این مدرسه نیز مثل بسیاری از مدارس دیگر دارای فراز و نشیب بود. چنانکه در سال ۱۲۶۰ش/۱۸۸۱م. روزنامه اختر، شماره ۳۶، چاپ استانبول، درباره اوضاع این مدرسه نوشت: «اوضاع مدرسه دارالفنون تبریز قدری مغشوش شده، معلم ندارد و آنچه دارند ناقص است. غذایشان قابل خوردن نیست. شاگردان مدرسه به لهو و لعب می‌گذرانند. بالجمله خیلی بی‌نظم است».

از بعضی قرائن و از جمله جراید آن زمان پیداست که در سال ۱۲۷۲ش/۱۸۹۳م، این مدرسه بر اثر سانحه تعطیل شده، ولی به فاصله اندکی بازگشایی شده و نه مدرسه بنا به دستور امیرنظام گروسی، پیشکار آذربایجان، به مظفریه تغییر کرده است و افتتاح دوم آن به صورت آبرومندی در ضمن یک جشن بزرگ انجام گرفته و خطابه معروف که منسوب به مرحوم امیرنظام است در افتتاح دوم این مدرسه ایراد شده است که عین آن خطابه چنین است:

«آقایان محترم می‌توانم امروز را مثل یکی از اعیاد ملی بدانم که به تشکیل این مدرسه موفق شده‌ام و این مدرسه را که کارخانه آدمیت است به مبارکی مفتوح نمایم. این مدرسه از چندین جهت شرافت مخصوص دارد که اولاً در تحت حمایت حضرت اشرف امجد والا دامت شوکته و به مناسبت اسم مبارک خودشان آن را مدرسه مظفری نامیده‌اند و دیگر اینکه شاگردا و متعلمین این مدرسه از خانواده قدیم و نوجوان آذربایجان منتخب شده‌اند و من آن‌ها را مثل فرزند خودم می‌دانم و من لازم است که تشکر خود را از پدران محترم این متعلمین اظهار دارم که به من اعتقاد کرده و این مدرسه را به اطفال عزیز خودشان افتخار داده‌اند. نهایت اطمینان دارم که با لیاقت ذاتی خودشان و معلم لایق و قابلی مثل «لامبر» ترقیات کلی در درس تحصیل آن‌ها به هم رسیده و برای ملت و دولت خودشان نافع و مفید باشند».

راجع به افتتاح دوم مدرسه روزنامه ناصری مطبوعه تبریز شماره ۵، سال اول (۱۲۷۲ش) چنین نوشته است:

«جناب اسماعیل بیگ مدیر اداره شریف روزنامه ترجمان که از جمله تکمیل‌شدگان عالم مدنیت و تربیت‌یافتگان عرصه انسانیت و ترقه جویان ملت و خیرخواهان فرقه محترم اسلامیه است، شرح مبسوطی در تشکر از توجهات حضرت اقدس والا ولیعهد روحنا فداه در باب تأسیس و تشکیل مدرسه مبارک مظفریه در تبریز در روزنامه گرامی خود مندرج نموده و به توسط معین الوزاره ژنرال قونسول دولت علیه ایران در تفلیس یک صندوق مشتمل بر رساله جدید نحوی و قطعات نقشه ژوگرافی و سرمشق مبتدیان مدرسه به رسم تبریز تشکیل مدرسه مزبور تقدیم نموده‌اند».

از این نوشته چنین برمی‌آید که مدرسه مظفری که در حقیقت همان مدرسه دولتی سابق تبریز بوده، از سال ۱۲۷۲ دومین مرحله خدمت خود را شروع کرده و به نام مظفری مرسوم گردیده و اسماعیل بیگ توسط معین الوزاره به مناسبت افتتاح مجدد مدرسه برای آن کتاب و نقشه فرستاده است. در شماره ۶ سال اول روزنامه ناصری (۱۲۷۲) این چندسطر راجع به مدرسه مظفری درج شده است: «مدرسه مبارکه مظفریه به مراقبت میرزا جعفرخان ملک الشعراء حکیم‌باشی و نایب‌الریاسه مدرسه مزبوره و مهدی‌قلی‌خان سرهنگی ناظم درکمال نظم و ترتیب است. معلمین فارسی، عربی، طب، ریاضی، هندسه، حساب، ژوگرافی، زبان فرانسه و خط نستعلیق همه‌روژه در ساعات مقرر در اطاق‌های درس

رشدیه نخستین
مدرسه را در ایروان
گشود و مورد توجه
فراوان ایرانیان
مقیم آنجا واقع شد

حاضر شده و به تعلیم شاگردان مشغول اند.»

چون این مدرسه را دولت تأسیس کرد مخالفت چندانی با آن نشد. از این مدرسه دانش‌آموختگانی بیرون آمدند که بعدها هر کدام بر مصدر کاری شدند. مظفرالدین میرزا ولیعهد به این مدرسه می‌آمد و از شاگردان آن امتحان به عمل می‌آورد. از مندرجات روزنامه ناصری، مورخ رجب ۱۲۷۵ ش/۱۸۹۶ م. برمی‌آید که در همان سال مدرسه دچار اختلال و پریشانی شده و به کلی منحل و تعطیل شده است.

♦ **مدرسه رشدیه (۱۲۶۶ ش/۱۸۸۷ م)^۱**. چنانکه در شرح حال رشدیه گفته شد، وی نخستین مدرسه را در ایروان گشود و مورد توجه فراوان ایرانیان مقیم آنجا واقع شد. سپس بر آن شد که به ایران برگردد و در تبریز مدرسه‌ای به سبک نو بنیاد نهد. پس از برگشت به تبریز مقدمات این کار را فراهم و اقدام به تأسیس مدرسه کرد. اندک زمانی نگذشت که مدرسه مورد استقبال اهالی قرار گرفت و اعیان و بزرگان و دیگر اقشار مردم فرزندان خود را به این مدرسه فرستادند. رشدیه گروهی از وضع‌زادگان را نیز به رایگان در آن مدرسه پذیرفت و به آموزش آنان پرداخت. یک‌سال از این ماجرا گذشت و هنگام امتحان فرا رسید. در حضور بزرگان و رجال شهر امتحان باشکوهی برگزار شد و آموخته‌های شاگردان آزموده شد و موجبات شگفتی و تحسین حضار را فراهم ساخت. فردای آن روز رئیس‌السادات دستور بسته شدن مدرسه را صادر کرد. رشدیه از ترس جان شبانه به مشهد گریخت و پس از شش ماه به تبریز مراجعت کرد. در این هنگام رئیس‌السادات از دنیا رفته بود. رشدیه مدرسه را در محله بازار گشود و دیری نگذشت که بیش از سیصد دانش‌آموز در آن جمع شدند، ولی طلبه‌های مدرسه «صادقیه» در صدد انحلال مدرسه برآمدند و اوباش مدرسه را غارت و مدیر مدرسه را تهدید به قتل کردند. رشدیه باز از راه روسیه عازم مشهد شد و پس از چند ماه، بار دیگر به تبریز بازگشت و در محله چرنداب و با پذیرفتن تهیدستان در مدرسه آن را دوباره دایر کرد. استقبال از مدرسه بسیار چشمگیر بود و شمار شاگردان به بیش از ۳۷۵ نفر رسید. مدرسه داشت رونق بیشتری می‌یافت که مکتبداران به پدر وی اخطار کردند تا در مدرسه را ببندد و گر نه عواقب ناگواری در انتظارش خواهد بود. پس از آنکه مدرسه برای چندمین بار بسته شد، رشدیه باز به مشهد گریخت و پس از شش ماه به تبریز بازگشت و در محله نوبر، مدرسه را علم کرد و به صحت و عافیت مدرسه را به آخر سال رساند.

مواد تحصیلی در این مدرسه قرآن، ترجمه اذکار، اذان و اقامه و نماز و صرف و نحو مختصر بود.

۱. حسین امید تاریخ تأسیس این مدرسه را ۱۳۱۱ ق. ذکر کرده است؛ ولی کسروی (ص ۲۱) و شمس‌الدین رشدیه (ص ۳۱) تاریخ ۱۳۰۵ ق. را ذکر کرده اند. به نظر می‌رسد منظور حسین امید، زمانی بوده است کم مدرسه از کشاکش‌های متعدد فارغ شده بوده است.

رشدیه مدرسه‌ای
در تبریز تأسیس
کرد که پس از چندی
رونق یافت

رشدیه سرانجام مدرسه‌ای در تبریز تأسیس کرد که پس از چندی رونق یافت راجع به افتتاح این مدرسه و شهرت نیک آن، روزنامه ناصری خبر داده و اعلام داشته که عبدالرحیم طالبوف که از یاران قدیم رشدیه بوده ضمن اظهار مسرت از گشایش این مدرسه معادل دویست جلد کتاب از علم فیزیک به ضمیمه سی منات اسکناس به‌عنوان کمک به مدرسه رشدیه فرستاده است.



مدرسه مقدسه رشدیه شبستردر سال ۱۳۲۶ق.
(باتشکر از آقای مهندس علی یوسف‌لویی که فایل دیجیتال این تصاویر را در اختیار ما قرار دادند).

همان روزنامه در شماره ۱۱ سال ۱۲۷۳ش/ ۱۸۹۴م. بود که از شاگردان این مدرسه امتحان به عمل آمده و آنان توانستند به نیکی از عهده امتحان برآیند. در همان شماره از مردان بی‌سواد ۲۵ تا ۴۰ ساله خبر داده که توانسته‌اند در مدت ۹۰ ساعت آموزش، خواندن و نوشتن را بیاموزند. گویا در مدرسه رشدیه علاوه بر درس‌های یاد شده، مقدمات فارسی و عربی و زبان فرانسه نیز آموزش داده می‌شد. حسین واعظ، صحاف‌زاده (پرورش)، حاج میرزااحمد مدرس، میرزااحسین کمال از جمله معلمان این مدرسه بوده‌اند. پس از آن که رشدیه به تهران فراخوانده شد مدرسه رشدیه نیز تعطیل شد.

♦ **مدرسه کمال یا کمالیه** (۱۲۷۶ش/ ۱۸۹۷م). به مدیریت میرزااحسین کمال (طبيب‌زاده) در محله لیلی‌آباد گشایش یافت. این مدرسه در سال ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۳م. مدرسه کمال یکی از مدارس خوب آن روزگار بود و روزنامه‌ای نیز به همین نام در مدرسه چاپ می‌شد. در سال نخست افتتاح این مدرسه ادیب‌الممالک خطابه مؤثری بیان داشته و مردم را برای کمک به آن فراخوانده بود.

در مدرسه لقمانیه
در اندک مدتی
شاگردان چنان
پیشرفت کردند که
موجب تعجب است

♦ **مدرسه تربیت**^۱ (۱۲۷۸ش/۱۸۹۹م). به همت گروهی از فرهنگ‌پژوهان بنا نهاده شد. از آن جمله بودند: سیدحسن تقی‌زاده، سیدحسین خان معروف به عدالت، میرزا محمد علی خان تربیت که هر سه در این مدرسه تدریس هم می‌کردند. مدیریت مدرسه با سید محمد شبستری معروف به ابوالضیاء بود. در این مدرسه معلمان برجسته‌ای تدریس می‌کردند و چون مدرسه رشديه نیز تعطیل شده بود مردم استقبال شایانی از آن کردند. امید می‌رفت که این مدرسه به مؤسسه فرهنگی معتبری تبدیل گردد، اما متأسفانه بیش از سه ماه عمر نکرد و منحل شد.

شرح این ماجرا در روزنامه‌های خارج از کشور انعکاس یافت. چنانکه روزنامه ثریا چاپ مصر مقاله‌ای در این مورد نوشت و از مخالفان این مدرسه سخت انتقاد کرد (حسین/امید، ص ۵۵).

تقی‌زاده در این باره نوشته است که: «در سنه ۱۲۸۰ش. ما چهار نفر رفیق (یعنی من و سه نفر سابق‌الذکر؛ میرزا محمد علی خان و میرزا سیدحسین خان و آقاسید محمد شبستری) به تأسیس مدرسه‌ای به اصول جدید و برای تعلیم علوم جدید و السنه خارجه اقدام کردیم، به اسم «تربیت» که داستان غریبی پیدا کرد و مثل نارنجک ترکید و غوغای عجیبی را موجب شد...» (زندگانی طوفانی، ص ۲۷).

مدرسه لقمانیه (۱۲۷۸ش/۱۸۹۹م). بنیانگذار این نهاد آموزشی میرزا زین‌العابدین لقمان‌الممالک بود. وی رشته پزشکی را در دانشگاه پاریس آموخت. در بازگشت لقب «معین‌الاطبا» گرفت و به خدمت ولیعهد مظفرالدین میرزا درآمد و پزشک ویژه او شد. با روی کار آمدن مظفرالدین شاه بود که لقمان‌الممالک دست به کار گشایش مدرسه شد. در این راه سیاست‌های اصلاح طلبی امین‌الدوله نیز بی‌تأثیر نبود. این مدرسه در حقیقت یک مدرسه فرانسوی‌زبان و شبیه مدارس فرانسوی بود. چنان که خود لقمان‌الممالک وقتی به وزیر خارجه فرانسه نامه نوشت به این موضوع اشاره کرد: «با خوشوقتی و در ادای وظیفه، برپایی مدرسه‌ام را که به راستی یک آموزشگاه فرانسوی است، چنان که از برنامه‌اش پیداست، به آگاهی آن جناب می‌رسانم» (هما ناطق، دبیره، ش ۲).

این مدرسه در اندک مدتی به پیشرفت‌های شایانی رسید. در روزنامه‌های خارج و داخل در تعریف از آن مقاله‌ها نوشتند و خبرها دادند. روزنامه ثریا چاپ مصر در رمضان ۱۲۷۸ش/ ۱۸۹۹م. از افتتاح مدرسه لقمانیه که هنوز بیش از دو ماه از گشایش آن نگذشته بود خبر داد و نوشت که در اندک مدتی شاگردان چنان پیشرفت کرده‌اند که موجب تعجب است.

۱. در خاطرات سید حسن تقی‌زاده، تاریخ تأسیس این مدرسه ۱۲۸۰ش ذکر شده است (رک: زندگانی راهنمای کتاب، ۱۳۳۰، ش ۳).

طوفانی خاطرات سید حسن تقی‌زاده، ص ۲۷. در جای دیگر تقی‌زاده تاریخ ۱۲۷۷ش را ذکر کرده است (رک: راهنمای کتاب، ۱۳۴۰، ش ۴).

در مدرسه لقمانیه
علاوه بر کتابخانه،
داروخانه نیز بود و
در حقیقت مدرسه
به جای بیمارستان
کار می کرد

پس از چند ماه، یعنی در ذیقعد ۱۲۷۸ ش/ ۱۹۰۰ م. برای امتحان دانش آموزان مجلس جشنی برگزار شد و تفصیل آن را روزنامه اطلاع چاپ تهران نوشت. در این مقاله آمده است که در مدت چند ماه شاگردان از هفت تا بیست ساله به طوری تحصیل کرده و امتحان دادند که موجب حیرت حاضرین شد. پس از امتحان لقمان الممالک خطابه و نطقی ایراد و در آن از عدم استقبال و یاری نکردن اشخاص اظهار تأسف کرد. از قرار معلوم نطق وی مؤثر افتاد و در همان مجلس گروهی تصمیم گرفتند به این مدرسه کمک کنند.

مظفرالدین شاه در این موقع به فرنگستان سفر می کرد. هنگام گذشتن از تبریز، صد و پنجاه نفر شاگردان مدرسه به حضور وی رفتند. مظفرالدین شاه از زحمات لقمان الممالک قدرشناسی و تمجید کرد و یک عصای مرصع به لقمان الممالک اعطا کرد و سالانه هزار تومان هم مواجب را اضافه کرد. ضمناً ریاست مدرسه دولتی تبریز را به او سپرد تا پیش از برگشتن او آن را نیز افتتاح کند (هما ناطق، ص ۵۹).

البته این کار، عملی نشد که هیچ، مدرسه لقمانیه نیز پس از مدتی تعطیل شد!
مواد آموزشی: درس هایی که در این مدرسه می آموختند اغلب درس های علمی و پزشکی و به زبان فرانسه بود، به اضافه درس هایی مربوط به شرعیات و ادبیات فارسی و عربی. که عبارت بود از: زبان فارسی، صرف و نحو عربی، خط و انشا، زبان فرانسه، زبان انگلیسی (اختیاری)، زبان روسی (اختیاری)، حساب، هندسه، جبر و مقابله، هیئت جدید، فیزیک، شیمی، تشریح، گیاه شناسی، جانورشناسی، فیزیولوژی و داروسازی، جراحی، کحالی، حفظالصحه، طب، عکاسی، دندانسازی، تاریخ، جغرافیا، نقاشی.

افزون بر این ها به هنگام اذان ظهر شاگردان وضو می گرفتند و به نماز می ایستادند. هر روز به تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید مشغول می شدند. اندکی هم «جامع عباسی» و رسائل فقهی می آموختند. عصرهای پنجشنبه هم یک روضه خوان می آمد و برای دانش آموزان روضه می خواند (همان جا).

چون لقمان الممالک، رئیس مدرسه، خود پزشک بود، به موضوع های پزشکی بیشتر پرداخته می شد. در مدرسه علاوه بر کتابخانه، داروخانه نیز بود و در حقیقت مدرسه به جای بیمارستان کار می کرد. ریاست داروخانه را میرزا فتاح و اعتمادالاطباء به عهده داشتند. از داروخانه مدرسه، تهیدستان نیز استفاده می کردند.

علاوه بر این مدرسه «انجمن ادب» نیز داشت که ریاست آن با ادیب الممالک بود. وی معاونت مدرسه را نیز به عهده داشت و در حقیقت گرداننده اصلی مدرسه بود.

انجمن ادب به فعالیت های فرهنگی از جمله «اصلاحات داخلی»، «تحریر روزنامه» و «نشر معارف عامه ملتی» می پرداخت. مدرسه دارای نقشه، کره جغرافیایی و پرده مصور نیز بود. لقمانیه دارای نظامنامه بود و در آن وظایف شاگردان و آموزگاران و نحوه رفتار با دانش آموزان و تشویق و تنبیه آنان ذکر شده بود و مدرسه نظم و ترتیب خاصی داشت. سن شاگردان از هشت تا شانزده سال بود و پیش از نام نویسی می بایست معاینه

**دکتر لقمان
از شاگردان انتظار
سخت کوشی
داشت. گرچه تنبیه
بدنی را نکوهش
می کرد، اما کاهلان
و بدآموزان را هم
به آسانی
نمی بخشید**

پزشکی می شدند تا مبدا «امراض مسری» داشته باشند. شاگردان یا تمام وقت بودند یا نیمه وقت. دانش آموزان تمام وقت همه برنامه هفت ساله را فرامی گرفتند و نیمه وقتان می توانستند ساعات درسی را به دلخواه برگزینند. برنامه درسی از بامداد شنبه آغاز می شد تا پنجشنبه، از یک ساعت از روز گذشته، الی یک ساعت به غروب مانده ادامه داشت. در مدرسه ناهار هم می دادند. هر کس نمی خواست می توانست در این ساعت به خانه باز گردد.

دکتر لقمان از شاگردان انتظار سخت کوشی داشت. گرچه تنبیه بدنی را نکوهش می کرد، اما کاهلان و بدآموزان را هم به آسانی نمی بخشید. تنبیهات این ها بودند:

شاگرد درس نخوان باید یک ربع ساعت درصاف آخر... بدون تکلم و حرکت بایستد. سرخود راپایین بیندازد. هنگامی که در پایان کلاس دیگران بیرون می روند او دم در باشد و به هریک از همشاگردی ها بگوید: «خجالت مرا بس است. ان شاءالله فردا غیرتمندانه درس خواهم خواند.» در این لحظه دیگران از پیش روی او می گذشتند و سرزنشش می کردند. در ساعات تنبیه خوراک کودک کاهل «نان و آب خالی» بود. دیگر اینکه ابزار و کتاب های درسی اطفال زرنگ را «مثل نوکر» حمل می کرد و تا دم در مدرسه می برد. آنگاه کفش های کودکان را پس از پاک کردن «جفت می کرد». بدتر از همه، لوحی با عنوان «تنبیل» بر سینه می جسابند تا دیگران ببینند و عبرت گیرند. دکتر لقمان یقین داشت که همین سیاست طفل گریز پای را بار دیگر راهی مکتب خواهد کرد.

غارت مدرسه و تعطیل شدن آن: مدرسه تا سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م. کجدار و مریز به حیات خود ادامه داد، اما در جریان گمرک و مأموران بلژیکی این مدرسه نیز به همراه مدارس دیگر متلاشی شد و از فعالیت باز ایستاد.

یک سال بعد دکتر لقمان دست به دامن فرانسویان شد؛ کمک مالی خواست تا مدرسه را باز گشاید. فرانسویان معادل ۲۵۰۰ فرانک فرستادند (همان جا). با این پول از نو برای مدرسه نوشت افزار خریدند و کتاب سفارش دادند. هم در این سال که آلیانس فرانسه شعبه تبریز را برپا کرد، لقمانیه وابسته آلیانس شد و دکتر لقمان به عضویت هیئت مدیران کمیته آن نهاد در تبریز درآمد. از این پس جلسات کمیته آلیانس در تالارهای لقمانیه برگزار می شد. لقمانیه از فرانسوی ها کمک مالی طلب می کرد که گاهی هم نمی رسید، چنانکه دکتر لقمان بارها به تنگنا افتاد؛ به ویره اینکه دولتمردان و رجال پس از ماجرای یورش و از ترس از کمک دریغ می کردند.

بازگشایی مدرسه لقمانیه: پس از دو سال دکتر لقمان دوباره مدرسه را به سال ۱۲۸۴ ش/ ۱۹۰۵ م. از نو گشود. این بار روس ها هم پیش آمدند، چون در این مدرسه زبان روسی هم تدریس می شد. سفارت روسیه پیشنهاد داد که اگر فرانسویان به یاری خود ادامه دهند روس ها نیز مبلغی خواهند پرداخت. «هانری نارد» مدیر مدرسه، در این باره نوشته: «این خود افتخاری است که کشورهای دیگر هم به فکر یاری دادن مدرسه

افتاده‌اند» (همان‌جا).

مدرسه روی هم رفته به ۵۰۰ فرانک نیاز داشت تا از نو گشوده شود که این مقدار فراهم شد. پس از بازگشایی مدرسه هانری رنارد مدیر مدرسه نامه‌های سپاسگزاری به رئیس‌جمهور فرانسه و وزیر خارجه نوشت و به آنان با خوشحالی خبر داد که مدرسه بازگشایی شد. در نامه به رئیس‌جمهور فرانسه به صراحت نوشت که:

«هدف این نهاد گسترش زبان و نفوذ فرانسه است» (همان‌جا). به وزیر امور خارجه هم خبر داد که: «از برکت دولت فرانسه است که مدرسه ما توانست به تجدید سازماندهی برآید و زندگی را از سرگیرد» (همان‌جا).

بدین ترتیب مدرسه دوباره به فعالیت پرداخت. در خاتمه سال تحصیلی، اوایل سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م. در مدرسه جشنی برپا شد و به شاگردان پاداش‌هایی داده شد. در همین جشن لقمان‌الممالک خطابه‌ای ایراد کرد که خلاصه آن چنین بود:

«افتخار دارم امروز آقایان عظام برای ملاحظه پایه تحصیل شاگردان من شرف حضور داشته و سرافرازم کرده‌اند. در مراجعت از سفر فرنگستان آرزویی که به وطن و مولد مألوف خود می‌آوردم سه چیز بود، یکی عبارت از تأسیس مدرسه و دیگری احداث داروخانه و سومی تأسیس مریضخانه، بحمدالله هفت سال قبل تأسیس مدرسه لقمانیه را در زیر سایه والاحضرت اقدس ولیعهد ارواحنا فداه موفق شدم و چند تن از آقایان هموطنان همراهی کردند. ولی مدتی دست جور قضا تعطیلش کرد. سپس ده ماه پیش با همراهی دوستان فرانسوی خودم مجدداً دایر و افتتاح شد. دواخانه هم چند سال پیش به معاونت آقایان فرانسویان که در این مجلس حضور دارند، تأسیس شده و اکنون از همراهی دوستان فرانسوی، جناب آقای دکتر کوپن و مسیو همپوله و مسیو راز نهایت امتنان را دارم و امیدوارم که ان‌شاءالله احداث بیمارستان را نیز توفیق افتد و نایل گردم که آن آرزوی من است...» (حسین/مید، ۱۲۹۳).

پس از سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م. لقمان‌الممالک، خود به تهران عزیمت کرد و مدرسه رونق پیشین را رفته رفته از دست داد و پس از مدتی دچار آشفتگی شد. از تدریس علوم مختلف و ادبیات فارسی و عربی خودداری کردند و مدرسه فقط به آموختن زبان فرانسه اختصاص یافت. در روزنامه عدالت (شوال ۱۳۲۴ق) به این مطلب اشاره شده است و در شماره ۲۹ همان روزنامه (ذیقعد ۱۳۲۴ق) اعلانی از طرف مدرسه لقمانیه به این مضمون دیده می‌شود:

«در مدرسه لقمانیه از غره ذیقعد ۱۳۲۴ق. فارسی و عربی و علم حساب و جغرافیا و هیئت و تاریخ موقوف، فقط زبان فرانسه تدریس می‌شود».

در اواخر سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م. معلمان ایرانی از این مدرسه رفتند و چند نفر معلم فرانسه مدرسه را اداره می‌کردند. با وجود این، رسماً تا ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م. دایر بود که سرانجام به دنبال شورش‌های پی‌درپی در تبریز این مدرسه به کلی تعطیل شد.

♦ **مدرسه رشد و قدس (۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م):** پس از انحلال مدرسه رشدیه حاجی میرزا علی، معروف به حاج آخوند، برادر میرزا حسن رشدیه که از قفقاز آمده بود، در مسجد کلبعلی مکتبی دایر کرد. گرچه این مدرسه در ظاهر به صورت مکتبخانه‌های قدیمی بود، ولی از نظر شیوه آموزشی و نحوه کلاس‌بندی مانند مدارس جدید بود. شاگردان به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شدند و هر گروهی در یک ردیف می‌نشست و معلم مخصوص و جداگانه داشت. حاج آخوند به این ترتیب توانست خود را از حمله مخالفان مصون دارد. بالای در مسجد نیز تابلویی نصب کرده بود که روی آن «مکتب رشد و قدس» نوشته شده بود. پس از چندی حاج آخوند مکتب را به مسجد مقصودیه منتقل کرد که حیاطی نیز داشت و کودکان می‌توانستند برای تنفس به صحن مسجد بروند و آزادانه گردش کنند. در این مکتب معلمان برجسته‌ای چون میرزا حسین واعظ، ابوالقاسم فیوضات و یوسف نجات تدریس می‌کردند. پس از چندی مدرسه به یک عمارت اجاره‌ای منتقل شد و کلاً صورت مدرسه جدید پیدا کرد. در این مدرسه میز و نیمکت چیدند و تخته سیاه گذاشتند و وسایل لازم دیگر فراهم ساختند، اما باز از ترس مخالفان مدارس جدید سیاست‌هایی اندیشیده شد. از جمله اینکه به جای زنگ که در آن زمان در انظار برخی‌ها به عنوان ناقوس کلیسا جلوه می‌کرد، برای اعلام ساعت درس یا تفریح یک نفر از شاگردان خوش صدا شعر می‌خواند، به این ترتیب که وقتی شاگردان می‌خواستند برای تنفس بیرون بروند شاگرد مذکور در جلو اتاق‌ها راه می‌رفت و با صدای بلند می‌خواند:

الای غزالان دشت ذکاوت به بیرون روید از برای سیاحت

به مجرد شنیدن این شعر معلمان کلاس‌ها را تعطیل می‌کردند و شاگردان از کلاس خارج می‌شدند. برای حاضر شدن در کلاس‌ها نیز همان شاگرد در حیاط مدرسه می‌خواند:

هر آنکو در پی علم و دانایی است بدانند که وقت صف آرایی است

به مجرد شنیدن این صدا شاگردان صف می‌بستند تا شاگرد شعر دیگر را بدین قرار می‌خواند:

ایا طالبان علوم الهی بیایید مکتب که زینجاست شاهی

و شاگردان به طرف کلاس‌های درس روان می‌شدند.

این مدرسه تا انقلاب مشروطیت برپا بود و پس از آن با سه مدرسه دیگر یکی شد و مدرسه‌ای به نام «دبستان نوبر» به وجود آوردند که شرحش خواهد آمد.

♦ **مدرسه بصیرت (۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م):** مدرسه بصیرت امیریه به مدیریت میرزا احمد معروف به بصیرت تأسیس شد. این مدرسه نیز در تیمچه شعرباغان صورت مکتبخانه داشت، ولی مدیر آن شخص روشنفکری بود که در مدرسه رشدیه با اصول آموزش نوین آشنا شده بود. دیری نگذشت که وی مکتب خود را به صورت مدرسه جدید درآورد و مدرسه با تشویق فرهنگ‌پروران اندک‌اندک ترقی کرد و به ساختمان جدیدی منتقل

مدرسه ادبیه
از نظر آموزشی
جزو مدارس مشهور
تبریز بود

شد و در آن هر سال جشن‌هایی برپا می‌ساختند. در سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م. چندان گرفتار غارت نشد، ولی پس از آن دوباره به صورت مکتب اداره شد و سرانجام در اوایل مشروطیت سرو سامانی یافت. این مدرسه در همان اوان انقلاب منحل شد. میرزا احمد از فرهنگستانی است که در سایر نقاط ایران خدمات فرهنگی شایسته‌ای انجام داده است.

♦ **مدرسه ثریا (۱۲۸۰ ش/ ۱۹۰۱ م):** محمد علی خان پسر حاجی میرزا عبدالله طبیب خوبی آن را تأسیس کرد. این مدرسه نیز به هنگام غارت مدارس از بین رفت و پس از آن دیگر نتوانست تجدید حیات کند.

♦ **مدرسه جلالت (۱۲۸۱ ش/ ۱۹۰۲ م):** مدیر مدرسه میرزا علی معروف به جلالت بود. این مدرسه قبلاً به صورت مکتب اداره می‌شد، ولی روش آموزش آن به شیوه جدید بود. نام این مدرسه پس از انقلاب به احترام باقرخان (سالار ملی) به سالاریه مبدل شد.

♦ **مدرسه معرفت (۱۲۸۰ ش/ ۱۹۰۱ م):** یکی از مدارس مهم آن روزگار و مدیر و مؤسس این مدرسه عبدالله جهانشاهی بد. این مدرسه در اواخر ۱۲۷۹ ش/ ۱۹۰۰ م. یا اوایل سال ۱۲۸۰ ش/ ۱۹۰۱ م. گشایش یافت. در این مدرسه نشریه‌ای نیز به نام روزنامه معرفت به طور مرتب انتشار می‌یافت که مدیر آن نیز عبدالله جهانشاهی بود. متأسفانه این مدرسه و روزنامه عمر زیادی نکردند. روزنامه بیش از یکسال انتشار نیافت و مدرسه نیز از اوایل مشروطیت منحل شد.

♦ **مدرسه اقبال (۱۲۸۱ ش/ ۱۹۰۲ م):** در سال ۱۲۸۱ ش. دایر بوده، ولی در غارت مدارس به سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م. از بین رفت. ابراهیم شمس آوری که خود بعدها مدرسه سعادت را بنیاد نهاد، در این مدرسه تدریس می‌کرد.

♦ **مدرسه ادبیه (۱۲۸۳ ش/ ۱۹۰۴ م):** این مدرسه قبل از سال ۱۲۸۱ ش. دایر بود، ولی به‌صورت مکتب اداره می‌شد و از همان زمان تدریس الفبا به شیوه جدید در آن انجام می‌گرفت. پس از سال ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م. کاملاً به شکل مدرسه جدید درآمد. مدیر و مؤسس آن میرزا علی ادیب فلاحی بود. این مدرسه سال‌ها دوام کرد. در اوایل مشروطیت، به هنگامی که شاگردان مدارس برای به دست آوردن مشروطه و آزادی قیام کرده بودند، شاگردان این مدرسه نیز همراه دیگر شاگردان بودند. این مدرسه نیز از نظر آموزشی جزو مدارس مشهور تبریز بود.

♦ **مدرسه شعبه رشديه (۱۲۸۳ ش/ ۱۹۰۴ م):** مؤسس این مدرسه برادر کوچک حاج میرزا حسن رشديه به نام میرزا علی بود که به احترام رشديه آن را شعبه رشديه نام نهاد. این مدرسه تا اوایل انقلاب مشروطیت دایر بود و در سال ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م. شاگردان آن در تظاهرات ملی شرکت داشتند.

متأسفانه در همان خیزش‌های نخستین شهر تبریز، این مدرسه منحل شد و مؤسس آن از ایران مهاجرت کرد و در خارج از کشور به اخذ درجه دکتری نایل شد.

در مدرسه سعادت روزنامه‌ای به نام سعادت چاپ و منتشر می‌کرد

♦ **مدرسه پرورش (۱۲۸۲ش/۱۹۰۳م):** در اواخر سال ۱۲۸۲ش. به مدیریت میرزارضا صحافزاده (پروفسور رضا پرورش‌بعدی) گشایش یافت. در اندک مدتی به ترقیات شایانی رسید و یکی از معروفترین مدارس تبریز شد؛ اما متأسفانه چندان نپایید و در جنگهای میان مشروطه خواهان و عمال استبداد، این مدرسه نیز مانند برخی از مدارس آن روزگار از بین رفت و منحل شد. مدیر آن نیز به ترکیه مهاجرت کرد و در آنجا به مقام پروفیسوری نایل آمد. وی از سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م. مجله‌ای نیز به نام دبستان منتشر می‌کرد (صدرهاشمی، ج ۲، ص ۲۷۷).

♦ **مدرسه سعادت (۱۲۸۳ش/۱۹۰۴م):** یکی از مدارس مهم و منظم تبریز بود که حدود هشت سال دایر بود و در این مدت خدمات فرهنگی شایانی انجام داد. در آغاز مشروطیت این مدرسه و شاگردان آن نقش بسزایی در مبارزه با استبداد داشتند و شاگردان آن پیوسته در تظاهرات آزادی‌خواهانه شرکت می‌کردند.

معلمان برجسته‌ای چون سیدحسن شریفزاده، سیدکاظم عصار در آن تدریس می‌کردند. این مدرسه روزنامه‌ای نیز به نام سعادت چاپ و منتشر می‌کرد. مدیر مسئول این روزنامه سعیدزاده ناظم مدرسه سعادت بود و روزنامه در سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م. تأسیس و منتشر شد. در زیر عنوان هر شماره از این روزنامه نوشته شده بود: «این روزنامه به امورات سیاسی کار ندارد و فقط طرفدار ترویج علم و ازدیاد مدارس در ایران خصوصاً آذربایجان بوده و از معارف ملل متمدنه عالم صحبت خواهد نمود» (صدرهاشمی، ج ۳، ص ۳۸).

این مدرسه دوبار به تاراج رفت؛ یک بار در سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م. به دست تفنگچیان محله شتران شهر تبریز که طرفدار استبداد بودند که به دنبال این حمله مدرسه مدت دو سال تعطیل شد و پس از استقرار دوباره مشروطیت به سال ۱۲۸۸ش. بازگشایی شد، بار دیگر در اوایل سال ۱۲۹۱ش به دست سالداتهای روسیه تزاری که مدرسه اشغال شد و اثاث آن به یغما رفت.

در این مدرسه زبان فرانسه نیز آموزش داده می‌شد و فرانسویان به این مدرسه علاقه‌مند بودند. یک مدرس فرانسوی به نام «نهری» آموزش زبان فرانسه را برعهده داشت و ماهی صد تومان به وی حقوق می‌دادند که در آن روزگار حقوق بسیار بالایی بود (هما ناطق، ۱۹۸۷). وقتی مدرسه به سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۷م. به غارت رفت مؤسس مدرسه شمس‌آوری، به همراه شریفزاده، آزادیخواه بنام و معلم برجسته این مدرسه، در قونسولخانه فرانسه متحصن شدند. پس از دو ماه شمس‌آوری تبریز را ترک کرد و به بادکوبه رفت و در آنجا در مدرسه میرزا حسین‌خان کمال، مدیر مدرسه ایرانیان، که در ایران مدیر و مؤسس مدرسه کمال بود، به تدریس مشغول شد و پس از چند ماه مدیر دبستان نوروز ایرانیان در بلاد قفقاز شد. پس از آنکه تهران به دست مجاهدین فتح شد و آثار استبداد برطرف گردید و مشروطیت دوباره استقرار یافت، وی از قفقاز به ایران بازگشت

مدرسه نوبر
نخستین مدرسه‌ای
که پس از
نهیض مشروطیت
گشوده شد

و در سال ۱۲۸۸ ش/۱۹۰۹ م. مدرسه سعادت را باز گشود. مدرسه به پیشرفتهای بزرگی دست یافت و شمار شاگردان از پانصد گذشت. متأسفانه در همین دوره بر رونق مدرسه بود که حمله روس‌های تزاری آغاز شد (ذیحجه ۱۲۹۰ ش/۱۹۱۱ م). و سرانجام در محرم ۱۲۹۱ ش/۱۹۱۲-۱۹۱۱ م. مدرسه به دست سالداتهای روسی اشغال شد. شمس‌آوری پس از دوماه مخفی زیستن، به تهران عزیمت کرد و در آنجا به خدمت وزارت فرهنگ درآمد.

♦ **مدرسه نوبر (۱۲۸۵ ش/۱۹۰۶ م):** نخستین مدرسه‌ای که پس از نهضت مشروطیت

گشوده شد مدرسه نوبر بود. این مدرسه از چند نظر شایان توجه است:

نخست اینکه این مدرسه را گروهی از ثروتمندان و بازرگانان بنیاد نهادند و تمام هزینه مدرسه را خود برعهده داشتند. دوم اینکه در این مدرسه بیست و پنج تن از شاگردان به رایگان تحصیل می‌کردند و مهم‌تر از همه، نخستین مدرسه‌ای بود که از ثمره مشروطیت به دست آمده بود. افتتاح این مدرسه را روزنامه عدالت خبر داد و طبق مندرجات این روزنامه هیئت مؤسسان مدرسه از این قرار بودند: میرزا جواد گرگری، حاج علی اکبر میلانی، عادل خان تاجرباشی، میرزامحمود سلماسی، حاجی رحیم بادکوبه‌چی، کربلایی علی آقا مسیو، حاجی محمد تقی سلماسی، حسین آقاخانی (حسین/امید، ج ۱، ص ۱۰۱).



معلمان و دانش‌آموزان مدرسه نوبر شهر تبریز (۱۳۳۲ ق)

این مدرسه تحت نظارت و مدیریت میرزامحمد علی‌خان اداره می‌شد. در همان روزنامه شمار شاگردان ۱۱۸ تن اعلام شد که همانطور که ذکر شد، ۲۵ تن از آنان رایگان تحصیل می‌کردند.



شاگردان دبستان نوبر در تبریز

روزنامه انجمن نیز اسامی اشخاصی را که به مدرسه نوبر اعانه داده‌اند درج کرد. مدیریت مدرسه در آخر سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م. به ابراهیم ادیب واگذار شد و مدرسه در سال ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م. با سه مدرسه دیگر متحد شده و مدرسه واحدی به نام مدرسه اتحادیه نوبر تشکیل دادند. در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۱م. این اتحاد به هم خورد و ادیب خود مدرسه نوبر را دوباره دایر کرد و تا سال وفاتش (۱۳۰۹ش/۱۹۲۹م) مدیریت مدرسه را برعهده داشت.

♦ **مدرسه ابتدایی چرنداب (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** افتتاح این مدرسه در روزنامه انجمن اعلام شد که خلاصه آن چنین است:

مدرسه به همت چند تن از وطن پرستان غیور تأسیس شده است. فقط شاگردانی که سن آنان هفت الی دوازده است، پذیرفته می‌شوند. شهریه مدرسه به همت و توانایی مالی اولیای اطفال موقوف است.

بانی مدرسه حاجی میرزا علی اکبرخان مدیر روزنامه انجمن بود، ولی متأسفانه این مدرسه نتوانست مدت زیادی پایداری کند؛ چنانکه در شماره ۱۲۳ همان روزنامه آمده است، از ماه رجب همان سال کمک مالی مدیر روزنامه قطع شد و این امر کار مدرسه را پریشان ساخت. به دنبال این وضع، گروهی از شاگردان مدرسه در محل انجمن حاضر شدند و یک نفر از ایشان خطابه‌ای خواند که در آن، ضمن بر شمردن چگونگی افتتاح و اداره مدرسه، گفت که اگر این مدرسه منحل شود، «ما اطفال که اغلب ما را مجانی قبول کرده‌اند بی تربیت و تعلیم خواهیم ماند». شاگردان تقاضا کردند که اعضای محترم انجمن به آن نونهالان توجه کرده از کیسه فتوت خود کمک‌هایی به مدرسه برسانند. به دنبال این شکایت قرار شد به مدرسه مثل سابق کمک مالی بشود و به این ترتیب مدرسه به کار خود ادامه داد. متأسفانه این مدرسه نیز در شورش‌های تبریز منحل شده و از بین رفت.

♦ **مدرسه اسلامیة شتریان (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** به کوشش دبیرالسلطنه و مدیریت میرزاحسین بن محمود صدرزاده گشوده شد. در اعلامیه‌ای که در روزنامه انجمن آن سال منتشر شد ضمن خبر افتتاح مدرسه آمده است که در این مدرسه خارج از «قانون اسلامیة تعلیم و تدریس نخواهد شد». این مدرسه مدت زیادی عمر نکرد و در همان اوایل کار منحل شد.

♦ **مدرسه فردوس (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** به مدیریت صادق فردوس تأسیس شد. اندکی پس از تأسیس، با دو مدرسه «مجد» و «مواسات» ادغام شده و مدرسه‌ای به نام «متحدہ» تشکیل داد که مدت‌ها با همین نام به فعالیت آموزشی مشغول بود. مدرسه فردوس بعدها پیشرفت کرده و به دبیرستان مبدل شد و سه کلاس متوسطه در آن دایر شد. در دوره پهلوی مدرسه با نام دبستان عنصری همچنان به فعالیت خود ادامه می‌داد.

♦ **مدرسه ارشاد (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** میرزامهدی ادیب مدیر این مدرسه بود، ولی متأسفانه عمر زیادی نکرد.

♦ **مدرسه مجد یا فتوحات (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** به مدیریت میرزا ابوالفتح تأسیس شد. بعدها با مدرسه فردوس اتحاد کرده و مدرسه متحدہ را تشکیل دادند.

♦ **مدرسه مواسات (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** میرزامحمد مواسات مؤسس آن بود، سپس در مدرسه فردوس و مجد ادغام شد. میرزامحمد پس از اندکی از مدیریت مدرسه کنار رفت و در مدرسه رشدیه که به سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۱م. گشایش یافت، معلم شد.

♦ **مدرسه ایرانی (۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م):** این مدرسه را فضل‌الله سلیمی گشود، ولی اندک زمانی پس از گشایش منحل شد.

♦ **مدرسه اتحاد نوبر (۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م):** از اتحاد چهار مدرسه «رشد و قدس» و «مدرسه رشدیه (شعبه)» و «مدرسه قدسیه» (این مدرسه به صورت مکتب بود) و «نوبر» به وجود آمد. مدرسه دارای نظامنامه بود که به امضای مدیران رسیده بود. این مدرسه در اندک مدتی به ترقیات شایانی دست یافت و تعداد شاگردان آن به هزار نفر رسید. حاج میرزاعلی، مشهور به حاج آخوند، به ریاست مدرسه و حاج میرزا احمد به معاونت و میرزاعبدالعلی به نظامت و ابراهیم ادیب به دفترداری و حسابداری برگزیده شدند، ولی مدرسه با همکاری هر چهار نفر اداره می‌شد. این مدرسه دوازده کلاس داشت و کلاس‌هایی به نام‌های «ابتدایی»، «تجهیزیه» و «تدارک» در آن ترتیب داده بودند. برنامه مخصوصی که برنامه دبستان و دبیرستان را شامل می‌شد تعیین شده بود و مدرسه طبق آن برنامه عمل می‌کرد. تعداد کارمندان آن بالغ بر سی نفر بود. دوره فعالیت اتحاد نوبر مصادف بود با دوره مشروطیت که تجددخواهی رونقی نداشت و از طرف مخبرالسلطنه (مهدیقلی هدایت) والی وقت نیز کمک‌هایی به این مدرسه می‌رسید (حدود شصت و پنج تومان در ماه).



مدرسه اتحاد نوبر در مهرماه ۱۳۱۰ شمسی

مدرسه نوبر تا اواخر سال ۱۲۹۰ ش/۱۹۱۱ م. پیوسته راه ترقی را می‌پیمود، ولی در اواخر این سال حاج آخوند فوت کرد و در اوایل سال ۱۲۹۱ ش/۱۹۱۱ م. واقعه هجوم روس‌های تزاری اتفاق افتاد، در نتیجه اتحاد مدرسه اتحاد نوبر به هم خورد. ابراهیم ادیب شخصاً مدرسه نوبر را دایر کرد و دو مدیر دیگر متفقاً مدرسه‌ای به نام اتحاد گشودند.



جمعی از دانش‌آموزان و معلمان دبستان اتحاد نوبر

♦ **مدرسه معرفت (۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م):** به مدیریت میرزاتقی صفایی تأسیس شد. مدرسه معرفت نزدیک به چهل سال پایدار بود و در سال ۱۳۲۴ ش منحل شد.

♦ **مدرسه حقیقت و ترقی (۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م):** این دو مدرسه نخست به‌طور جداگانه تأسیس یافت و اندکی بعد درهم ادغام شده و مدرسه واحدی به نام مدرسه حقیقت و

ترقی را به وجود آورد. پس از مدتی این رشته اتحاد گسست. میرزا حسن حقیقت از اداره معارف کنار رفت و مدرسه ترقی به صورت مستقل به مدیریت محمد ترقی به فعالیت خود ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۲ ش. این مدرسه به نام دبستان رودکی و با مدیریت ترقی همچنان فعال بود.

♦ **مدرسه اتفاق (۱۲۸۷ ش/ ۱۹۰۸ م):** با تشریک مساعی ابوالقاسم فیوضات و یوسف نجات بنیاد یافت. مدتی دایر بود که سرانجام فیوضات مستقلاً مدرسه فیوضات و نجات هم مدرسه نجات را دایر کردند.

♦ **مدرسه حیات (۱۲۸۷ ش/ ۱۹۰۸ م):** در اواخر سال ۱۲۸۸ ش. تحت نظارت یک هیئت خیریه این مدرسه بنا نهاده شد. مدرسه را این هیئت، که از روشنفکران و بازرگانان تشکیل یافته بود، اداره می کرد. مدیران مدرسه را هیئت تعیین می کرد. در طول فعالیت مدرسه حیات این اشخاص مدیر مدرسه شده اند: حاجی آقا شفق (دکتر رضازاده شفق بعدی)، حاج میرزا علی، مشهور به حاجی آخوند ایروانی و ابوالقاسم فیوضات. معلمان برجسته ای در این مدرسه به تدریس پرداخته اند، ولی متأسفانه مدرسه حیات، حیات زیادی نداشته است. در سال ۱۲۸۹ ش/ ۱۹۱۰ م. تحت مدیریت ابوالقاسم فیوضات به نام «حیات - فیوضات» موسوم و سپس نام مدرسه به فیوضات مبدل شد.

♦ **مدرسه فیوضات (۱۲۸۷ ش/ ۱۹۰۸ م):** به کوشش و مدیریت ابوالقاسم فیوضات تأسیس شد و در اندک مدتی به پیشرفت های چشمگیری دست یافت. تا سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م. که مدارس تبریز به دست سربازان روسیه تزاری غارت شد، این مدرسه همچنان به فعالیت آموزشی مشغول بود. در آن سال برای اینکه مدرسه از دستبرد و غارت اشرار به دور ماند، فیوضات مدرسه را با مساعدت قونسول فرانسه عنوان مدرسه «ایران و فرانسه» داد و به این ترتیب مدرسه را از غارت نجات داد. آنگاه که دکتر اعلم الملک وارد تبریز شد و اداره معارف تبریز را دایر کرد، به سال ۱۲۹۲ ش/ ۱۹۱۳ م. مدرسه فیوضات مورد توجه مقامات فرهنگی قرار گرفت و به صورت مدرسه دولتی و رسمی درآمد. به این ترتیب مدرسه فیوضات نخستین مدرسه دولتی در تبریز بوده است که پس از انحلال مدرسه مظفری به وجود آمد. پس از آنکه مدرسه متوسطه تبریز تشکیل شد، مدرسه فیوضات نخستین مدرسه ای بود که شاگردان خود را به این مدرسه منتقل کرد.

این مدرسه در دوره پهلوی نیز سال ها با همان نام فعالیت داشت و پس از عزیمت ابوالقاسم فیوضات به تهران توسط برادر وی حسین فیوضات اداره می شد.

ابوالقاسم فیوضات در سال ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م پس از پایان دوره نمایندگی وی در مجلس شورای ملی، به سمت ریاست معارف آذربایجان تعیین شد. به هنگام ورود وی

به تبریز معلمان و مدیران استقبال شایانی از او کردند، ولی به سبب نبودن امکانات مالی و نرسیدن حقوق معلمان نتوانست آن گونه که مایل بود به امور فرهنگی و پیشرفت آنها بپردازد، اما با این حال خدمات شایان توجهی انجام داد. از بهترین یادگارهای فرهنگی وی تأسیس کودکستان است که باغچه اطفال ترجمه کلمه به کلمه لاتین (Kindergarten) نامیده می‌شد.

اعلان گشایش کودکستان به سال ۱۳۰۳ ش. در روزنامه آذر چاپ شد در این اعلامیه هدف از تشکیل کودکستان را «کاشتن تخم علم و ادب و اخلاق و نظافت» بیان داشته است.

♦ **مدرسه نجات** (۱۲۸۸ ش/۱۹۰۹ م). به مدیریت یوسف نجات بنیاد یافت. پس از تشکیل اداره معارف در سال ۱۲۹۴ ش/۱۹۱۴ م در آذربایجان، چند ماهی با مدرسه روسی و ایرانی که در آن تاریخ به مدیریت یوسف بیگ قاضی زاده تأسیس شده بود اتحاد کرد، ولی از آن تاریخ به بعد دوباره به صورت مستقل فعالیت داشت. در دوره پهلوی به دبستان مسعود سعد تغییر نام یافت و دارای سه کلاس متوسطه شد. مؤسس این مدرسه از فرهنگیان قدیمی آذربایجان بود و کتاب‌هایی نیز برای دانش‌آموزان تألیف کرده است.

♦ **مدرسه افتخار** (۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م): مؤسس و مدیر این مدرسه سید ابوالقاسم افتخار حسینی بود. گویا زمانی مدرسه حقیقت (منسوب به انجمن حقیقت) نامیده می‌شده و در غارت مدارس تبریز به یغما رفت. مدرسه افتخار در دوره پهلوی به دبستان مولوی تغییر نام یافت و جزء مدارس دولتی تبریز بود.

♦ **مدرسه حکمت** (۱۲۸۸ ش/۱۹۰۹ م): به همت میرزا باقرخان حکمت تأسیس شد. مدرسه حکمت نیز در اندک مدتی به پیشرفت‌های شایانی دست یافت و از مدارس مهم و منظم تبریز بود. این مدرسه بعدها دارای شش کلاس ابتدایی و چهار کلاس متوسطه شد. بانی این مدرسه علاوه بر مدیریت مدرسه، تدریس دروس علوم، شیمی و طبیعی را نیز برعهده داشته است. این مدرسه بعداً دولتی شد.

میرزا باقرخان حکمت، مدیر این مدرسه، در مدرسه کمال تبریز مقدمات زبان فرانسه را آموخته و بعد به تکمیل آن پرداخته بود؛ در مدرسه دارالفنون تهران دوره عالی فیزیک، شیمی و تاریخ طبیعی را نیز گذرانده بود. علیرضا وقایعی درباره تاریخ تأسیس این مدرسه چنین سروده است:

مدرسه حکمت گشود و گفت به تاریخ پیر خرد «باب حکمتی شده مفتوح
۱۲۸۷» بنابراین گفته، تاریخ تأسیس این مدرسه باید ۱۲۸۷ ش^۱ بوده باشد (وحیدنیا، ص ۶۵۱-۶۴۹).

۱. این تاریخ با تاریخی که حسین امید ذکر کرده است، اختلاف دارد.

♦ **مدرسه شمس (۱۲۸۹ش / ۱۹۱۰م):** به مدیریت میرزا عبدالرحیم، که بعدها به ساویر معروف شد، تأسیس یافت. این مدرسه سال‌ها پایدار ماند و به دبیرستان تبدیل شد.



قسمتی از سربرگ مدرسه تمدن تبریز

♦ **مدرسه تمدن (۱۲۹۰ش / ۱۹۱۱م):** ابتدا در حیاط کوچکی جنب بازار صفی به همت حبیب‌الله جاوید تأسیس شد و به زودی کسب اعتبار کرد. پس از آن به جای دیگری منتقل شد. بعدها علاوه بر شش کلاس ابتدایی دارای کلاس‌های متوسطه نیز شد. این مدرسه سال‌ها به فعالیت خود ادامه داد. مؤسس مدرسه علاوه بر عهده‌دار بودن مدیریت مدرسه، در مدارس متوسطه به تدریس نیز مشغول بوده و مؤلف چندین کتاب درسی نیز بوده است.



معلمان و شاگردان مدرسه تمدن تبریز در دوره قاجار

♦ **مدرسه رشديه (۱۲۹۱ش / ۱۹۱۲م):** به همت رضاقلی رشديه تأسیس یافت و قبلاً به نام فرانکوپرسان فعالیت داشت و سومین مدرسه‌ای است که در تبریز به نام رشديه تأسیس شده است. مدرسه رشديه نیز در اندک مدتی به ترقیات بزرگی نایل آمد و یکی از مدارس مهم و خوب تبریز شد و زمانی بیش از هزار نفر شاگرد داشته است. این مدرسه در دوره پهلوی به مدیریت مواسات اداره می‌شد.

♦ **مدرسه ثریا (۱۲۹۰ش / ۱۹۱۱م):** این مدرسه و چند مدرسه دیگر جزء مدارس بودند که در سال ۱۲۹۰ و ۱۲۹۱ش. تأسیس شدند، ولی به هنگام هجوم روس‌های تزاری و

واقعه حکومت شجاع‌الدوله از میان رفتند. بانی این مدرسه میرزا احمد نامی بوده و ابتدا به صورت مکتب اداره می‌شده است.

♦ **مدرسه گلزار (۱۲۹۵ش / ۱۹۱۵م):** به مدیریت حسین گلزار تأسیس یافت و بعدها دبستان جامی نامیده شد.

♦ **مدرسه محمدیه (۱۲۹۶ش / ۱۹۱۶م):** از مهم‌ترین خدمات دکتر اعلم‌الملک به هنگام ریاست وی در اداره معارف (۱۲۹۲ش) تأسیس نخستین مدرسه متوسطه در تبریز بود. نام این مدرسه به احترام محمدحسن میرزا، ولیعهد، محمدیه گذاشته شد که بعدها به فردوسی تغییر نام یافت. در بدو امر چون به اندازه کافی دانش آموز برای این مدرسه موجود نبود، لذا مرحوم فیوضات مدیر مدرسه دولتی فیوضات، شاگردان بخش متوسطه مدرسه خود را به این دبیرستان انتقال داد و بدین ترتیب پایه‌های نخستین دبیرستان دولتی در شهر تبریز نهاده شد. ریاست مدرسه در آغاز به‌عهده باقر طلیعه بود و معلمان برجسته‌ای عهده‌دار تدریس در آن بودند. از آن جمله بودند: باقر طلیعه، عربی؛ علی‌خان ادیب آشتیانی سرمدی، ادبیات فارسی و تاریخ؛ ابوالقاسم فیوضات، فیزیک و ریاضیات صالح لقمان ادهم حشمت‌السلطنه، حقوق و تعلیمات مدنی؛ علی مجیر مولوی مجیرالدوله، شیمی؛ محسن رفعت و تقی رفعت، زبان خارجه و طاهر خوشنویس، حسن خط.

این مدرسه در سال اول تأسیس سه کلاس و بعد چهار کلاس داشت و شمار محصلان آن نزدیک به صد نفر بود. با تشویق دکتر اعلم‌الملک مدارس دیگر شاگردان خود را به این مدرسه فرستادند و مدرسه دارای پنج کلاس متوسطه شد و شمار شاگردان آن به دویست تن رسید و به پیشرفت‌هایی دست یافت. در سال ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۹م. این دبیرستان دارای شش کلاس کامل متوسطه شد و در خرداد ۱۲۹۹ش / ۱۹۲۰م. برای نخستین بار هشت نفر از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند و از آن پس هر سال گروه‌های دیگری پس از گذراندن امتحان رسمی فارغ‌التحصیل می‌شدند.

رؤسای دبیرستان محمدیه عبارت بودند از:

باقر طلیعه نخستین رئیس دبیرستان؛ محسن رفعت کفیل مدرسه؛ ابوالقاسم فیوضات (۱۲۹۷ش)؛ امیر خیزی (۱۲۹۹ش).

از سال ۱۲۹۷ش. به بعد مدیرانی که شاگردان مدرسه خود را به این دبیرستان منتقل کرده بودند، مشغول تدریس در این دبیرستان شدند. در تاریخ ۱۲۹۹ و ۱۲۹۸ش. شاگردان مدرسه مجله علمی و ادبی به نام ادب منتشر می‌کردند.

♦ **مدرسه تدین (۱۲۹۶ش / ۱۹۱۶م):** به مدیریت جواد شهیدی بنا نهاده شد. چندی برپا بود. ولی چندان عمری نکرده و منحل شد.

♦ **مدرسه دارالتربیه (۱۲۹۸ش ق / ۱۹۱۸م):** به کوشش جمعیت خیریه تأسیس شد. در این مدرسه وضعی زادگان و مستمندان به تحصیل می‌پرداختند.

محمدعلی تربیت،
نخست مدرسه
دانش را در محله
لیل آباد گشود

مدارس ملی این دوره از این قرارند:

- ◆ **مدرسه اعتماد (۱۲۹۶ش/۱۹۱۶م):** به مدیریت سیدمهدی اعتماد.
- ◆ **مدرسه بصیرت (۱۲۹۷ش/۱۹۱۷م):** به مدیریت حاج میرزا علی بصیرت، (این دومین مدرسه بصیرت در تبریز بوده است).
- ◆ **مدرسه علوی (۱۲۹۷ش/۱۹۱۷م):** به مدیریت علوی زاده اداره می شد. هر سه این مدرسه ها دیری نپاییدند.
- ◆ **مدرسه وثوق:** این مدرسه شکل نیم مدرسه و نیم مکتب داشت و به مدیریت شماری از افراد اداره می شد.
- ◆ **مدرسه دانش (۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م):** پس از آن که محمدعلی تربیت به سال ۱۳۰۰ش. ریاست معارف آذربایجان را عهده دار شد، نخست به تأسیس چند باب مدرسه ابتدایی دولتی اقدام کرد. تا این تاریخ فقط دو مدرسه دولتی در تبریز وجود داشت که یکی از آن ها مدرسه دانش بود و چندان نظم و ترتیبی هم نداشت. محمدعلی تربیت، نخست مدرسه دانش را در محله لیل آباد گشود و آن را به صورت مدرسه منظمی درآورد که تا دوره پهلوی برپا بود. این مدرسه بعدها به احترام ابوالقاسم قائم مقام به دبستان قائم مقام تغییر نام یافت.
- ◆ **مدرسه شرف (۱۲۹۵ش/۱۹۱۵م):** نام این مدرسه نخست شرفیه بود و به پاس نیکی های شرف الدوله کلانتری، که به مدرسه کمک های مالی می رساند به این اسم نامیده شده بود. در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م دولتی شد و نام آن به شرف مبدل گشت. در دوره پهلوی به دبستان خیام تغییر نام یافت و همچنان برپا بود.
- ◆ **مدرسه حافظ (۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م):** این مدرسه سال ها دایر بوده است.
- ◆ **مدرسه رضوان (۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م).**
- ◆ **مدرسه تجارت (۱۳۰۱ش/۱۹۲۲م):** یکی دیگر از اقدامات مفید محمدعلی تربیت در زمان ریاست وی در اداره معارف آذربایجان، تغییر برنامه های مدارس متوسطه بود تا به این وسیله آن ها را با نیازهای جامعه آن روزگار مطابقت دهد. به دنبال این فکر بر آن شد مدرسه ای بگشاید تا دانش آموزان در آن به تحصیل امور بازرگانی بپردازند. برای این منظور برنامه ویژه ای نوشته و مدرسه دولتی تجارت در مهرماه سال ۱۳۰۱ش. گشوده شد. مدیریت این مدرسه به عهده علی مجیر مولوی (مجیرالدوله) واگذار شد. مواد درسی این مدرسه را دروس مربوط به بازرگانی، دفترداری و علم اقتصاد و حقوق و تاریخ تجارت و صنایع تشکیل می داد.
- چون از این مدرسه استقبال شایسته ای نشد، لذا اندک اندک مدرسه از شکل مدرسه تجارت بیرون آمد و به مدرسه متوسطه تبدیل شد. یکی دیگر از علل عدم توفیق

مدرسهٔ پرورش
از مدارس خوب
شهر تبریز بود و
به مدیریت محمود
پرورش گشوده شد

این مدرسه نبودن بودجه کافی و نرسیدن حقوق کارکنان مدرسه بود، که به دنبال این امر میان کارکنان مدرسه و اداره فرهنگ اختلاف افتاد و برای رسیدگی، جمعیت اصلاح و ترقی معارف تشکیل شد. این مدرسه تا سال ۱۳۰۷ ش. دایر بود و در این سال منحل شد.

♦ **مدرسه دولتی دخترانه ناموس (۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ م):** یکی دیگر از اقدامات فرهنگی محمدعلی تربیت تأسیس مدارس دخترانه بود که از جمله آن همین مدرسه ناموس بود. این مدرسه بعدها به دبستان هفده دی تغییر نام داد.

♦ **مدرسه دوشیزگان (۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ م):** این مدرسه بعدها به مدرسه متوسطهٔ دخترانه مبدل شد. مدیریت مدرسه در آغاز با بانو هاجر تربیت بود.

● **مدارس ملی از سال ۱۳۵۰ به بعد**

در این دوره گرچه بیشتر مدارس دولتی بودند، ولی چند مدرسه ملی نیز گشایش یافت. از آن جمله بودند:

♦ **مدرسهٔ العلم (۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ م):** به مدیریت علی یزدی‌زاده تأسیس یافت.

♦ **مدرسه همت (سعدی بعدی) (۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ م):** به همت رسول عطایی گشوده شد. اندک اندک پیشرفت شایانی کرد و از جمله مدارس مهم ملی تبریز شد و نام آن به دبستان سعدی تغییر یافت. این مدرسه در دوره پهلوی چندین کلاس متوسطه نیز داشت و جزء دبیرستان‌های این شهر به شمار می‌آمد.

♦ **مدرسهٔ کمال (۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م):** به مدیریت کریم کمال (شکول) گشایش یافت و سال‌ها برپا بود و بعدها به دبیرستان مبدل شد.

♦ **مدرسه دیانت (۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م):** این مدرسه بیش از سه سال دوام نکرد.

♦ **مدرسه فلاح (۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م):** به مدیریت محمد حسین فلاح (کیهان‌پور) افتتاح شد و بعدها منحل گشت. مدارس ملی دیگری نیز در این دوره گشوده شد که دیری نپاییدند. از این جمله بودند: مدرسه هدایت شتریان و سرخاب، مدرسه بلدیه مقصودیه، مدرسه اتفاق، مدرسه فتح، مدرسه فتوت.

♦ **مدرسهٔ پرورش (۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م):** از مدارس خوب شهر تبریز بود و به مدیریت محمود پرورش گشوده شد. این مدرسه بعدها دارای کلاس‌های متوسطه نیز شد.

● **مدارس دخترانه**

♦ **مدرسه بنات اسلامی (۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م):** به مدیریت بانو منیرهٔ حراف تأسیس شد. بعدها به قدسیه موسوم شد.

♦ **مدرسه سپهرانا** (۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م): پس از چندی منحل شد.

♦ **مدرسه عزت** (۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م): نخست به مدیریت بانو علویه سیدپیران اداره می‌شد. پس از فوت وی تحت نظارت اداره فرهنگ درآمد.

♦ **مدرسه ارشاد**: به مدیریت حاج میرزا عباسقلی واعظ چرندابی گشایش یافت.

♦ **مدرسه اقدسیه**.

مدارس دخترانه دیگر این دوره

در اواخر دوره قاجار چند مدرسه دخترانه دیگر تأسیس یافت که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌شود:

♦ **مدرسه دخترانه فرهنگ** (۱۲۹۲ش/۱۹۱۳م): به مدیریت بانو فرهنگ (خواهر میرمصور) اداره می‌شد.

♦ **مدرسه دخترانه دارالتربیه** (۱۲۹۵ش/۱۹۱۶م): بعدها به دبستان آزر م تغییر نام یافت.

♦ **مدرسه عصمتیه** (۱۲۹۷ش/۱۹۱۸م): مدرسه فخریه (۱۲۹۷ش/۱۹۱۸م) توسط بانو فیروزمند تأسیس یافت و بعدها منحل شد.

♦ **مدرسه حقیقت** (۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م).

♦ **مدرسه کرولال‌ها** (۱۳۰۲ش/۱۹۲۴م): در زمان ریاست ابوالقاسم فیوضات و با مساعدت وی و بر اثر زحمات ستایش آمیز جبار باغچه‌بان در ۱۳۰۳ ش تأسیس شد پس از سه سال از شاگردان این مدرسه امتحان به عمل آمد و مورد تحسین و توجه شرکت‌کنندگان در جشنی که برای این منظور برگزار شده بود قرار گرفت.

■ مدارس شبستر

♦ **مدرسه رشديه** (۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م): نخستین دبستان قصبه شبستر را در ربیع‌الاول سال ۱۲۸۵ ش. میرزا صالح تکمه‌دashi و میرزاتقی رضایی تأسیس کردند. این مدرسه تا سال ۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م. دایر بود. در این سال که مهاجمان ماکو به منظور سرکوب مشروطه‌خواهان عازم تبریز بودند، به هنگام عبور از شبستر موجب آزار فرهنگ‌دوستان این قصبه شدند. در نتیجه شاگردان مدرسه متفرق و معلمان متواری و میرزاتقی رضایی، یکی از بانیان مدرسه دستگیر و محبوس گردید و میرزا صالح تکمه‌دashi نیز مخفی و مدرسه تعطیل شد.

پس از استقرار دوباره مشروطیت، انجمن ایالتی تبریز در صدد گسترش فرهنگ نو برآمد و به دنبال این اندیشه، مدرسه شبستر به دست بانیان اولیه‌اش بازگشایی شد و این بار

۱. بیشتر اطلاعات مربوط به مدارس آذربایجان در این تحقیق از کتاب تاریخ فرهنگ آذربایجان تألیف حسین امید است. از این رو فقط به غیر از منابع مذکور ارجاع داده شده است.

مدرسه اتحاد و ترقی خوانده شد. فرهنگ‌دوستان محلی، اعاناتی جمع کردند و مدرسه را به محل جدیدی که حاج محمد کریم اهداء کرده بود، انتقال دادند. این مدرسه بعدها (به احترام شیخ محمود شبستری که کتاب مثنوی او به همین نام است) گلشن راز نامیده شد.



بزرگ‌نمایی قسمتی از تصویر مدرسه مقدسه رشیدیه شبستر در سال ۱۳۲۶ق.

♦ **مدرسه رهبر ترقی (۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م):** به مدیریت حاج یوسف یعقوبی تأسیس یافت، ولی دیری نپایید و در پی هجوم سربازان روسیه تزاری و حکومت حاج شجاع‌الدوله در آذربایجان از هم پاشید و مدیر مدرسه از شبستر گریخت. پس از تغییر اوضاع و به‌وجود آمدن آرامش نسبی دوباره فرهنگ در این منطقه رو به گسترش گذاشت و از مجموعه این چند مدرسه، مدرسه واحدی تشکیل شد که در سال ۱۲۹۹ش. از دولت اعانه دریافت می‌کرد.

■ مدرسه خامنه

♦ **مدرسه معرفت^۱ (۱۲۷۹-۱۲۷۸ش/۱۹۰۰م):** به همت حاج اسدالله فتح‌الله یوف خامنه‌ای که از فرهنگ‌دوستان و نیکوکاران خامنه بود و در مآخاج قالا (روسیه) به تجارت مشغول بود، بنیاد یافت. وی با هزینه خود عمارت آبرومندی برای مدرسه ساخت و به آن اهداء کرد. (حاج اسدالله علاوه بر خامنه در مشهد و روسیه نیز مدارس جدید تأسیس کرد. گفتنی است که وی خود از نعمت سواد بی‌بهره بود!) این مدرسه باکمال نظم اداره می‌شد و هرگز گرفتار جزروندهای انحلال و اخلال نگردید.

حاج اسدالله تا در قید حیات بود کلیه مخارج مدرسه و کتاب‌های درسی و لوازم تحصیلی شاگردان و حقوق معلمان و سایر کارکنان مدرسه را مرتب از روسیه می‌فرستاد و برای اداره مدرسه چند مغازه در پطروسکه (مآخاج قالا) وقف کرده بود که پس از فوت وی

۱. حسین امید تاریخ تأسیس این مدرسه را ۱۲۸۵ش. نوشته است. رک: ص ۳۳۳، منظوری تاریخ آن را ۱۲۷۸-۱۲۸۸ش. ذکر کرده است. رک: ص ۱۱.

نیز پول آن به مدرسه پرداخت می‌شد. بعد از فوت او تا سال ۱۳۹۷/م ۱۹۱۸ ش. منسوبین وی از درآمد مغازه‌ها مبلغی به خامنه می‌فرستادند، اما بعدها این کمک‌ها قطع شد. پس از آن که این مدرسه در سال ۱۳۰۵ ش. دولتی شد نام آن را به «دبستان دولتی نثار خامنه» تغییر دادند (گویا نثار تخلص یکی از شعرای فارسی‌زبان بوده است). این تغییر نام با ریاست دکتر احمد محسنی بر اداره معارف آذربایجان همزمان بوده است. نویسنده کتاب مدرسه رایگان معرفت آورده است که محسنی «فرد شوونیستی بود» و گاهی اتفاق می‌افتاد کارمندی را به‌خاطر اینکه در محیط مدرسه به زبان مادری (ترکی) حرف زده بود از کار منفصل می‌کرد. گویا در تغییر نام مدرسه او نیز دست داشته است (منظوری خامنه، ص ۱۹-۱۳).

حاج اسدالله معرفت، حاج میرزا حبیب وایقانی را (که وی نیز بعدها نام‌خانوادگی خود را «معرفت» انتخاب کرد)، به مدیریت مدرسه تعیین کرد و برای آشنایی وی با اصول جدید تعلیم و تربیت او را به روسیه برد. وی پس از بازگشت به ایران مدرسه معرفت خامنه را راه انداخت. قرار این شده بود که او در مقابل این خدمت حاج اسدالله معرفت، تحصیل چهل نفر از شاگردان بی بضاعت را به‌عهده بگیرد و از بابت هریک سالانه پنج تومان دریافت کند. ضمناً مقرر شد از بابت حق‌التعلیم هریک از دانش‌آموزان دیگر نیز پنج تومان دریافت دارد و معلمان مورد نیاز را از خامنه و تبریز سالانه استخدام کند. استقبال مردم از این مدرسه به اندازه‌ای بود که مدیر مدرسه مجبور شد چند تن معلم دیگر استخدام کند. شاگردان معلم ورزش نیز داشتند و همه دانش‌آموزان هر روز نیم ساعت به ورزش می‌پرداختند. با تفنگ‌های مخصوص به بچه‌ها تعلیم نظامی و مشق نیز داده می‌شد. برای این منظور حاج اسدالله چهل قبضه تفنگ کوچک با فشنگ‌های چوبی از پطروسکه فرستاده بود. به علاوه حاج اسدالله از روسیه نمونه میز و نیمکت و تخته سیاه (دوسقه) به خامنه فرستاد و نجارهای خامنه از روی آن‌ها برای مدرسه میز و نیمکت ساختند.

وی همچنین برای شاگردان لباس و کلاه و کمربند مخصوصی که روی قلاب آن کلمه «مدرسه معرفت خامنه» حک شده بود، می‌فرستاد. برای تشویق شاگردان «بلیط آفرین» و «ورقه امتیاز» چاپ شده بود. ورقه‌های امتیاز شبیه دسته چک امروزی بود و از دو قسمت ته‌دفترچه و ورقه‌های آفرین تشکیل می‌شد و روی ورقه‌ها با اکیلیل چنین نوشته شده بود:

لیس الیتیم الذی قدمات والده ان الیتیم، یتیم‌العلم والادب
در سعادت و توفیق و فضل و علم و ادب گشاده بر رخ نوباوگان اهل وطن

دانش‌آموزی که به دریافت ورقه تشویق موفق می‌شد، علاوه بر آن جایزه‌ای نیز دریافت می‌کرد.

برای مدرسه نظامنامه‌ای در تاریخ ۵ شهر رجب ۱۳۲۰ ق. نوشته شد که از یک مقدمه و ده فصل و یک اعتذار تشکیل می‌شد که برخی از مواد آن چنین است:

از فصل اول: در تکالیف عموم اجزا

- **ماده ۶** اجزای مدرسه به هیچ اسم و رسم چیزی از شاگردان مطالبه نخواهند کرد.
- **ماده ۷** مواجب تمام اجزا در دو قسط پرداخته خواهد شد. یکی نیمه و دیگری سلخ و غیر از این دو وقت احدی حق مطالبه شهریه ندارد...

از فصل دوم: در تکالیف ناظم

- **ماده ۱** ناظم مدرسه باید پیش از همه شاگردان وارد مدرسه شده و بعد از همه خارج شود.
- **ماده ۴** ناظم باید همه اوقات مواظب حرکت شاگردان باشد و در هنگام تنفس مراقب باشد که حرکات ناشایسته از آن‌ها ناشی نشود.
- **ماده ۵** ناظم باید به درجات تحصیل و اخلاق آنها (شاگردان) همه روزه رسیدگی نموده و هرکدام شایسته تمجید باشند آنها را «بلیط آفرین» داده و هر کدام مقصر باشد مؤاخذه و تنبیه نماید.
- **ماده ۶** ناظم یا معلم حق ندارد در تنبیه شاگردان از قرارداد معینه تخلف نماید.

از فصل سوم: در تکالیف معلمین

- **ماده ۳** معلم باید همه شاگردها را به یک چشم نگاه کرده و با آن‌ها بالسویه رفتار نماید و پستی و بلندی آنها را از درجه درس آن‌ها بداند.
- **ماده ۶** معلم در اتاق درس نباید شاگردها را چوب بزند، بلکه باکمال ادب و احترام رفتار نماید.

از فصل چهارم: در شرایط پذیرش شاگردان

- **ماده ۱** شاگرد از ۷ سال کمتر و ۱۴ سال بیشتر قبول نمی شود.
- **ماده ۲** چنانچه شاگردی دارای امراض مسریه از قبیل کچلی و کوفت و غیره باشد قبول نخواهد شد.
- **ماده ۳** چنانچه دارای اخلاق فاسده باشد پذیرفته نمی شود.

از فصل پنجم: در تکالیف شاگردها

- **ماده ۳** شاگردها حق مفاخرت به همدیگر ندارند و درنظر معلم و سایر اجزاء بالسویه خواهند بود و به هیچ قسم، درجه نسب آنها موجب امتیاز آنها نخواهد شد...
- **ماده ۱۰** شاگردها همیشه باید مواظب نظافت خود و اسباب خود باشند که دست و پا و لباس و کتاب و دفتر آنها کثیف نباشد.

- **ماده ۱۱)** شاگرد‌ها در مدرسه حق ندارند خرید و فروش با یکدیگر بنمایند یا قرض و معاوضه نمایند.
- **ماده ۱۶)** شاگرد‌ها باید هفته‌ای یک مرتبه روزهای شنبه ورقه نظامنامه را که روز پنجشنبه به آن‌ها داده شده به امضای اولیای خودشان رسانیده بیاورند، والا مقصر خواهند بود.

از فصل ششم: در ترتیب درس مدرسه

- **...اتاق سوم (کلاس سوم):** قرائت قرآن شریف با تجوید، تاریخ ایران، حساب (ریاضیات)، جغرافی، صرف و نحو، لغت قرآن، دفترداری...

از فصل هشتم: در امتیازات شاگردان

- **ماده ۱)** هریک از شاگردان محصل در درس و اخلاق نمره اعلا که ۱۴ است داشته باشند از طرف مدرسه امتیازات به آن‌ها داده خواهد شد.
- **ماده ۲)** امتیازات مدرسه فعلاً منحصر است به «بلیط آفرین» و «ورقه امتیاز».
- **ماده ۳)** هر شاگردی که دارای ۱۰ «بلیط آفرین» شد در آخر سال، در روز جشن مدرسه عطیه‌ای به او داده خواهد شد، از قبیل کتاب و قلمدان و نقشه...
- **ماده ۶)** اگر شاگردی فقط از اخلاق صاحب نمره اعلا باشد پس از گذشتن ۶ ماه از طرف مدرسه به او نشان «افتخار» مرحمت خواهد شد.

از فصل نهم: در امتحانات مدرسه

- **ماده ۱)** اول، امتحانی است که همه روزه معلم از شاگرد مدرسه می‌کند.
- **ماده ۲)** امتحانی است که رئیس مدرسه به هر چند روز از شاگردان می‌نماید.
- **ماده ۳)** امتحانی است که در هر سه ماه با اطلاع چند نفر می‌شود.
- **ماده ۴)** امتحانی است که در آخر سال در حضور تمام اولیای اطفال می‌شود که باید از درس یک ساله شاگرد سؤال شود ...

اعتذار:

مسلم است هرکاری در آغاز بی عیب و نقص نمی‌شود خاصه امر مدرسه و تعلیمات جدید آن هم در خامنه که تا به حال کسی به این خیال نبوده و غرض ما هم از نوشتن این نظامنامه نوشتن چیزی است که هست نه آنچه باید باشد. بنابراین از صاحب نظران خواهشمندیم که بر نواقص آن خرده نگیرند و عذر ما را بپذیرند و العذر عند کرام الناس مقبول.

(حررة اقل الذاکرین، محمدعلی خامنه‌ای/ابن مرحوم حاجی ملاحاجی بابا، به تاریخ ۵ شهر رجب المرجب ۱۳۳۰ هجری قمری.
التماس دعا دارم از خواننده)

■ مدرسه تسوج^۱

♦ **مدرسه امید:** به کوشش جواد پارسی نامی تأسیس یافت. در آغاز اهالی تسوج می‌خواستند سقف مدرسه را خراب و معلم و مدیر مدرسه را زیر آن دفن کنند، ولی بایستادگی مدیر مدرسه تا سال ۱۳۰۵ ش. پایدار ماند و پس از آن دولتی شد و به جامی تغییر نام داد.

■ مدارس اسکو

♦ **مدرسه رضویه (۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ م):** این مدرسه در ساختمان مخصوصی که برای مدرسه ساخته شده بود تأسیس یافت. در آغاز مدیریت آن برعهده میرزا عبدالمحمد (مجدالاسلام) از شاگردان ثقه‌الاسلام بود. برای افتتاح مدرسه خود میرزا عبدالمحمد اعلامیه‌ای انتشار داد که در آن آمده است: «... موافق قانون و نظامنامه مدرسه قرار ماهیانه چهار قران است و بعد از اتمام ساعات کلاس از دو نیم به غروب برای شاگردان بزرگ تدریس خواهد شد».

در همین اعلامیه «تحت عنوان فهرست تحصیلات» مطالب درسی به شرح ذیل آمده است:

(۱) الفبا به طرز جدید که در عرض شش ماه طفل دارای نوشتن و خواندن صحیحی خواهد شد (!؛ ۲) تعلیم قرآن مجید با تجوید؛ (۳) فارسی ابتدایی؛ (۴) ادبیات؛ (۵) اصول عقاید و مسائل شرعیه؛ (۶) صرف و نحو؛ (۷) فارسی و عربی؛ (۸) تاریخ ملل عالم؛ (۹) علم حساب؛ (۱۰) جغرافیای پنج قطعه.

مدیر مدرسه عبدالمحمد الحسینی»

افتتاح این مدرسه با مراسم و جشن خاصی توأم بود. ضمناً در نخستین امتحان رسمی این مدرسه که به سال ۱۲۹۲ ش/۱۹۱۲ م. برگزار شد، جشن مفصلی ترتیب داده شد و اکثر اولیاء و شاگردان کلاس شرکت کردند.

انحلال مدرسه: در اسکو برعکس جاهای دیگر انحلال مدرسه به دنبال اغراض شخصی یا به دنبال مخالفت‌های سنتی‌ها صورت نگرفت، بلکه به دنبال گرسنگی و قحطی بود که در سال ۱۲۹۷ ش/۱۹۱۷ م پیش آمد و زندگی مردم مختل و مدرسه منحل شد. مدرسه چندی به این وضع ماند تا اینکه در سال ۱۲۹۹ ش/۱۹۱۹ م. از طرف اداره ایالتی معارف شخصی به آنجا فرستاده شد و جمعیت مخصوصی به نام جمعیت خیریه تشکیل یافت و مدرسه بازگشایی شد.

۱. بیشتر اطلاعات مربوط به مدارس آذربایجان در این تحقیق از کتاب تاریخ فرهنگ آذربایجان تألیف حسین امید است. از این رو فقط به غیر از منابع مذکور ارجاع داده شده است.

مدرسه نجات.
نخستین مدرسه‌ای
بود که در
قصبه آذرشهر
در ناحیه گاوگان
بنا نهاده شد

■ مدارس دهخوارگان (آذرشهر)

♦ **مدرسه نجات** (۱۲۸۸ش/۱۹۰۹م). نخستین مدرسه‌ای بود که در قصبه آذرشهر در ناحیه گاوگان بنا نهاده شد. مؤسس این مدرسه میراسماعیل روانبخش بود. این مدرسه علی‌رغم مخالفت‌های برخی از اهالی، مدت چهار سال دوام آورد، روانبخش علاوه بر کلاس‌های روزانه کلاس‌های اکابر نیز تشکیل داده بود.

این مدرسه در سال ۱۲۹۱ش/۱۹۱۱م. به تحریک کهنه‌پرستان و جهال تعطیل و مؤسس آن مجبور به ترک زادگاه خود شد و به آذرشهر عزیمت و در آنجا اقدام به تأسیس مدرسه نجات کرد؛ اما مدرسه نجات آذرشهر نیز چندان نپایید و پس از چندی منحل شد. در سال ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م. بود که پس از برقراری آرامش نسبی، نخستین دبستان دولتی در قصبه گاوگان آذرشهر تأسیس شد و این مدرسه سال‌ها دایر بوده است.

♦ **مدرسه فتحی** (۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م). این مدرسه به همت خانواده فتحی در دهخوارگان تأسیس یافت، اما عمر زیادی نکرد.

■ مدارس مراغه

♦ **مدرسه جلالیه** (پیش از سال ۱۲۷۸ش/۱۸۹۹م): به همت عبدالاحد تدین معروف به ادیب‌العلماء تأسیس شد. پس از آن که میرزا حسن رشدیه نخستین مدرسه جدید را در تبریز دایر کرد، تدین به محض آگاهی از افتتاح این مدرسه به تبریز عزیمت کرد و از نزدیک با روش تدریس وی آشنا شد. پس از بازگشت به مراغه در همان محل اولیه مدرسه (ساختمان بیرونی حاجی میرزا حسن شکوهی) به آموزش کودکان پرداخت. در این هنگام با جمع‌آوری شصت تومان اعانه از فرهنگ‌دوستان محل، خانه‌ای خریداری کرد و به کمک محمدکریم‌خان سرتیپ وسایل لازم برای مدرسه را خریداری کرده و در سال ۱۲۷۸ش/۱۸۹۹م. دبستان جدید را در این محل گشود و نام آن را از جلالیه به سرتیپیه تغییر داد. متأسفانه این مدرسه در پی حمله معاندین خراب و تعطیل شد (مروارید، ص ۱۶۵).

♦ **مدرسه سعیدیه** (۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م): متأسفانه نام مدیر و مؤسس این مدرسه به‌درستی معلوم نیست و اطلاع ما از این مدرسه اعلانی است که در روزنامه انجمن چاپ تبریز آمده است که عین آن اینجا نقل می‌شود:

● مکتوب از مراغه

♦ **بعدالعنوان:** مدرسه مبارکه سعیدیه که چندی قبل در مراغه تأسیس شده، دارای سه کلاس، متعلمین آن زیاده از پنجاه نفر است و الحمدلله از یمن و برکت انفاس

وطن خواهان تلامذه مدرسه در ظرف دو سه ماه ترقی فوق العاده کرده‌اند و استعداد ایرانیان مشهود و واضح شده است (این طفل یک شبه ره صدساله می‌رود). مدیر مدرسه مزبوره قرار گذاشته بود که در شش ماه امتحان عمومی بدهد. ان شاء الله بعد از عید نوروز امتحان رسمی، نه اسمی در حضور عموم وطن پرستان خواهند داد.

بعد از افتتاح این مدرسه جناب عادل خان تاجرباشی دام اجلاله محض از دوستی و وطن پرستی و ملت دوستی انواع و اقسام مرحمت‌ها فرموده و کتاب‌های متعدده مجاناً به متعلمین فرستاده‌اند؛ معلوم است در نزد خدا و رسول و رؤسای ملت مجهول نخواهد ماند. اقل محمدعلی طبیب خوئی (روزنامه انجمن، شماره ۵۱، ۱۲۸۶ ش). این مدرسه دیری نپایید و منحل شد (مرورید، ص ۱۶۶-۱۶۵؛ حسین امید، ص ۱۳۵).

♦ **مدرسه شکوهی (۱۲۸۶ ش/۱۹۰۷ م):** به همت حاج میرزا حسن شکوهی که از فرهنگ‌دوستان و آزادی خواهان به نام مراغه بود بنا نهاده شد. بانی این مدرسه از آزادی خواهانی بود که بارها طعم حبس و شکنجه‌های شجاع الدوله، حاکم مراغه را چشیده بود، ولی با این حال لحظه‌ای از پرداختن به آموزش و پرورش نوبل‌وگان زادگاه خویش غفلت نورزید. مدرسه شکوهی پس از کشاکش میان آزادی خواهان و هواداران شجاع الدوله و مخالفان فرهنگ نو منحل و مؤسس آن تبعید شد (همان جا؛ حسین امید، ج ۱، ص ۱۳۶).

♦ **دبستان نو (تدین) (۱۲۸۸ ش/۱۹۰۹ م):** پس از آن که محمدعلی شاه مخلوع و آزادی خواهان دوباره پیروز شدند، حاج میرزا حسن شکوهی به زادگاه خویش بازگشت و مدرسه‌ای به نام مدرسه نو بگشود که این مدرسه نیز در معرض اتهام قرار گرفت و منحل شد. گفتنی است که این بار خود شجاع الدوله نیز به این مدرسه کمک مالی می‌رساند و این کار وی جز به سبب وحشت او از آزادی خواهان دلیل دیگری نداشته است. پس از چند سال این مدرسه بازگشایی و «تدین» خوانده شد و در سال ۱۲۹۷ ش/ ۱۹۱۸ م. دولتی شد. اساس دبیرستان خواجه نصیر بعدی در شهر مراغه، همین مدرسه ملی شکوهی (دبستان نو، تدین بعدی) بوده است (همان جا).

♦ **مدرسه تدین (۱۲۹۴ ش/۱۹۱۴ م):** با همکاری میرزا حسن شکوهی و مدیریت عبدالاحد تدین تأسیس شد. عبدالاحد تدین نیز از فرهنگ‌دوستان و آزادی خواهان بود. وی نیز به هنگام حکومت شجاع الدوله در مراغه روانه زندان شد و پس از پرداخت هزار تومان وجه، به ضمانت حاجی حسین حمیدیه از زندان آزاد شده و به تبریز رفت. در تبریز پس از ملاقات با دکتر اعلم الملک رئیس اداره معارف وقت مدتی در مدرسه فیوضات به برطرف کردن نواقص درسی پرداخت و به پیشنهاد اعلم الملک نمایندگی فرهنگ مراغه را پذیرفت و پس از ورود به مراغه دبستان تدین را تأسیس کرد. در این کار میرزا حسن شکوهی نیز پیوسته وی را یاری می‌کرد (مرورید، ص ۱۸۰؛ حسین امید، ج ۱، ص ۳۴۰).

❖ **مدرسه فتوحیه (۱۳۰۲ش/۱۹۲۲م):** به همت حاجی میرزا محمدخان فتوح الملک تأسیس شد و او هزینه شاگردان مدرسه را از هر حیث فراهم ساخت. این مدرسه سال‌ها دوام داشت و از جمله مدارس منظم مراغه بوده است. متأسفانه پس از فوت بانی آن، مدرسه از هم پاشید و منحل شد (همان‌جا).

❖ **مدارس دولتی مراغه (۱۲۹۷ش/۱۹۱۸م):** نخستین مدرسه دولتی مراغه همان مدرسه تدین بود که در سال ۱۲۹۷ش/۱۹۱۸م. دولتی شد. پس از آن از سال ۱۲۹۹ش. به بعد نیز چند مدرسه دولتی تأسیس یافت و بر شمار مدارس دولتی افزوده شد. از این جمله بود مدرسه شماره ۳ که در سال ۱۲۹۹ش. تأسیس شد و در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م. منحل و بعدها مدرسه فردوسی نامیده شد^۱ (امید، ص ۳۴۴).

❖ **مدرسه شریعت (اوحدی) (۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م):** نام این مدرسه بعدها به دیانت تغییر یافت و چون محل آن به عمارت وقفی صدرالسادات، محل بعدی دبیرستان صدر، منتقل شد به احترام وی در تاریخ ۱۳۰۶ ش دبستان صدریه شماره ۲ نامیده شد. پس از انتقال به محل دیگر به اوحدی موسوم گردید (همان‌جا؛ احصائیه وزارت معارف، سال ۱۳۰۶ ش).

❖ **مدارس توابع مراغه**

❖ **مدرسه ملی فخریه (۱۲۹۴ش/۱۹۱۵م):** در بناب به همت علی اصغر سیف‌العلماء تأسیس یافت و مخارج آن را نیز وی می‌پرداخت. این مدرسه در سال ۱۳۰۴ش. دولتی شد و دبستان پهلوی نام گرفت.

❖ **مدرسه (دخترانه) تربیت البنات^۲ (۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ق/۱۹۱۷م):** در آن هنگام که شاهزاده ظهیرالسلطان حاکم مراغه بود، میرزا حسن شکوهی با منشی‌باشی آمد و رفت خانوادگی داشت، لذا دختران منشی‌باشی را که در مدرسه پروتستان تبریز تحصیل کرده و معلومات مقدماتی هم کسب کرده بودند، به گشودن یک باب دبستان دخترانه که تا آن زمان معمول و مرسوم نبود، تشویق کرد و سرانجام تمایل آنان را جلب و در کوچه شیخ تاج، حوالی میدان «کرد علی آقا»، حاجی میرزا حسن شکوهی مدرسه‌ای به نام «تربیت البنات» تأسیس کرد. مدیریت و سرپرستی آن را دختران منشی‌باشی عهده‌دار شدند. تمام هزینه مدرسه را خود شکوهی متقبل شد. چون به خاطر نفوذ تعصبات شدید مذهبی کسی حاضر نشد دختر خویش را به آن مدرسه بفرستد، میرزا حسن شکوهی دو تن از دختران خویش را به مدرسه فرستاد و پس از دو روز دختر برادرش در مدرسه

۱. حسین امید، این مطالب را زیر عنوان (دبستان سه کلاسه بدر) آورده است. به نظر می‌رسد این مدرسه زمانی با عنوان مذکور نامیده می‌شده است.

۲. در احصائیه سال ۱۳۰۶ ش وزارت معارف تاریخ تأسیس این مدرسه ۱۳۰۳ ش. ذکر شده است.

ثبت نام کرد. تا یک ماه این سه دوشیزه در مدرسه بودند و شاگرد دیگری جز آنان در مدرسه نبود. سرانجام میرزا حسن شکوهی با تشویق افراد گوناگون توانست تنی چند از دوشیزگان را در آنجا گرد آورد و به آموزش آنان بپردازد (مرورید، ص ۱۷۹).

■ مدارس اهر

♦ **مدرسه ترقی (۱۲۹۷ش / ۱۹۱۸م):** این مدرسه چندان رونقی نیافت و از آغاز شاگردان معدودی داشت و از نظم و ترتیب نیز برخوردار نبود و از طرف اهالی علاقه‌ای نیز نسبت به آن نشان داده نشد.

♦ **مدرسه همت (۱۳۰۰ش / ۱۹۲۱م):** در سال ۱۳۰۰ ش. نخستین نماینده فرهنگ به نام خلیل بهاری به اهر اعزام شد و با همت وی مدرسه ملی سابق از پریشانی و نابسامانی درآمد و مدرسه همت خوانده شد. خلیل بهاری برای گسترش فرهنگ در این منطقه تلاش فراوان کرد، ولی مردم چندان استقبالی از آن نکردند.

♦ **مدرسه مشکین‌شهر (۱۳۰۲ش / ۱۹۲۳م):** این مدرسه به اهتمام محمدعلی خان فرمانده وقت در مشکین‌شهر گشایش یافت و بخشی از بودجه آن را خود وی و قسمت دیگر را از اعانات مردم و فرهنگ‌دوستان محل تأمین کرد. این مدرسه در سال ۱۳۰۶ ش. دولتی شد.

♦ **مدرسه سراب:** نخستین مدرسه جدید در سراب به سال ۱۲۹۶ش / ۱۹۱۷م به همت شخصی به نام اسماعیل سرابی، که از فرهنگ‌دوستان محل و اهل ذوق و علم بود، بنا شد. وی عمارت مناسبی با خرج خود برای مدرسه تهیه و مدرسه را در آنجا دایر کرد. اقدام وی با مخالفت اهالی روبه‌رو شد و مورد لعن و تکفیر قرار گرفت، ولی به هر صورتی که بود مدرسه را همچنان دایر نگه داشت. این مدرسه دو سال بعد دولتی شد و تا بیست سال پس از آن در سراب مدرسه‌ای تأسیس نشد.

منابع

۱. آجمیان، هایک. مدرسه ارامنه آرامیان تبریز (به مناسبت اختتام صدمین سال تأسیس دبستان صبا) ۱۹۳۶ م
 ۲. امید، حسین. تاریخ فرهنگ آذربایجان، تبریز، اداره فرهنگ آذربایجان شرقی، ۱۳۳۴-۱۳۳۲، (۲ ج)
 ۳. پیفون، محمد. فرهنگ آذربایجانی-فارسی، تهران، دانش‌پایه، ۱۳۶۱
 ۴. صفری، بابا. اردبیل در گذرگاه تاریخ، تهران، ناشر: نویسنده، ۱۳۶۲، (۳ ج)
 ۵. منظوری خامنه، عبدالکریم. مدرسه رایگان معرفت در آینه تاریخ، تهران، جمعیت خیریه خامنه، ۱۳۶۸
 ۶. منظوری خامنه‌ای، عبدالکریم. «مدرسه معرفت خامنه‌ای»، واریق، س ۱۳۶۰، ش ۵-۶
۱. برای اطلاع بیشتر از منابع به کتاب «مدارس جدید در دوره قاجاریه» تألیف آقای دکتر اقبال قاسمی پویا مراجعه کنید.